

۱۸ تیر و حرکت آزادیخواهان دانشجویان

گورش مدرسی

۱۸ تیر حرکت آزادیخواهان دانشجویان در مقابل دو سوال قرار گرفته است. آیا باید ۱۸ تیر را به روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد؟ اگر آری با چه پرچمی و چه خواسته‌هایی؟

پاسخ به سوال اول، اگر به یکی از شاخه جنبش اسلامی تعلق نداشته باشید، ساده و سراسر است. کسی که آرزوی از میان رفتن جمهوری اسلامی و جایگزین شدن آن با یک حکومت آزاد، انسانی، مدرن و برابری طلب را دارد و نمیخواهد زندگی خود و نسل آینده را در پیچ

و خم دالانهای جمهوری اسلامی تباه کند، یک لحظه در جواب تردید نخواهد کرد. زندگی در سیاهی حکومت مذهب کافی است. ما شایسته زندگی آزاد و انسانی هستیم، این حق ماست، حق میلیونها انسانی است که بهای ماندن هر لحظه جمهوری اسلامی را دارند با تباهی فیزیکی و معنوی خود میپردازند. حق کارگری است که ماندن جمهوری اسلامی معنای گرسنگی کشیدن خود و خانواده‌اش را دارد. حق هر زنی است که بهای هر لحظه ماندن جمهوری اسلامی را با تباهی زندگی و امید و آرزوی خود میپردازد، حق هر جوانی است که جمهوری اسلامی زندانبان امیدها و آرزوها،

رویای لذت از زندگی، آرزوی تعالی فیزیکی و معنیش است.

روز ۱۸ تیر روز هم صدا شدن با دانشجویانی است که برای دفاع از آزادی به میدان آمدند، توسط اوباش جمهوری اسلامی سرکوب شدند، هر دو جناح بر جنایت اشک ریختند و هر دو جناح قربانیان ۱۸ تیر را سر به نیست کردند و هر دو جناح هنوز که هنوز است دستگیر شدگان را در زندان نگاه داشته‌اند. روز ۱۸ تیر باید صدای اعتراض علیه جمهوری اسلامی را بگوش همه رساند. باید در دانشگاههای اصلی هر شهر تجمع کرد، باید صفوف اعتراض علیه جمهوری اسلامی را متحد کرد،



باید به جمهوری اسلامی نشان داد که راه برون رفتی وجود ندارد. باید برود. ۱۸ تیر دانشگاهها تنها متعلق به دانشجویان نیست. ۱۸ تیر روز تجمع و اعتراض همه آزادیخواهان در دفاع از آزادی است. باید به این اعتراض و این تجمع پیوست. این پاسخ سر راست سوال اول است.

اما اعتراض بزرگ چه پرچم و با چه خواسته‌ای؟ پاسخ به

صفحه ۲

بحران آب، بحرانی حکومتی!

صفحه ۲

دستمزد کارگران را چرا پرداخت نمیکنند؟

صفحه ۴

میل به مرکز و دوم خرداد

مصطفی صابر

های دسته جمعی، روزنامه های راست و دوم خرداد را به یکسان مزین میکنند. ولی فقیه که زمانی با یک ضربت "حکم ولایتی"، کارتون "دمکراسی اسلامی" مجلس ششم را به فیلم های سیاه و سفید و تکراری آخر شب تبدیل کرده بود، حالا گویی باز سر "عقل" و "لطف" آمده است. کروی و مجلس اصلاحاتش حالا "اقتنار" پیدا میکنند که "اذن رهبری" برای "تحقیق و تفحص" در ارگانهای "زیر نظر ولایت" را (البته اگر رفسنجانی هم تایید کند)

صفحه ۲



محاكمه میلسوویچ:

اجرای عدالت یا

نمایشی از دروغ و ریا

آذر ماجدی

اگر در یک دنیای عادلانه زندگی میکردیم این خبری خوشنودکننده بود. اسلوبودان میلسوویچ در جنایات جنگی بالکان نقش مهمی بازی کرده است. این رویداد شاید همچنین میتوانست درگسترش عدالت و کاهش جنایات دولتهای سرکوبگر نقش بازی کند. چرا که بیانگر یک اتحاد بین المللی در پیگرد دیکتاتورها و سردمداران دولتهای سرکوبگر بود.

اما تحویل اسلوبودان میلسوویچ در دنیای موجود

صفحه ۳

امشب خبرگزاریهای بین المللی با شغف پیروزی ناتو و در راس آن دولت آمریکا و انگلستان را در به تسلیم کشاندن دولت یوگسلاوی اعلام کردند. بالاخره بدنبال دست پیچاندن ها و قلدر منشی های "دیپلماتیک"، دولت یوگسلاوی اسلوبودان میلسوویچ، رئیس جمهور سابق یوگسلاوی را به سازمان ملل تحویل داد. سازمان ملل نیز وی را برای محاکمه باتهام جنایتکار جنگی به لاهه برد.

مبارزات کارگری برای پرداخت دستمزدهای معوقه همچنان ادامه دارد

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

۱۸ تیر و حرکت آزادیخواهان دانشجویان

سوال دوم، اما، سر راست نیست. پرچم‌های مختلفی در میدان است. "کانون دانشجویان مستقل دانشگاه امیر کبیر" اعلام میکنند که حرفش حرف "دشمنان اسلام" و "گروهکهای ضد انقلابی خارج کشور" نیست، "نماینده مردم کوچه و بازار" است. "کمیته هماهنگی فرزند روی دیوار (!)" میخواهد با "سرود ای ایران" روحهای منجمد شده را بیدار کند! حزب کمونیست کارگری ایران شما را فرامیخواند تا حقوق انسان، مستقل از مذهب و ملیت و جنس، را مبنای اعتراض خود قرار دهید و خواستار آزادی بی قید شرط بیان، جدائی مذهب از دولت، آزادی فوری دستگیر شدگان ۱۸ تیر و رفتن جمهوری اسلامی شوید. کدام را باید انتخاب کرد؟

این راهها بکلی از هم جدا هستند. آینده‌های متفاوتی را مقابل جامعه قرار میدهند. "کانون دانشجویان مستقل" همانطور که از نامش پیداست بتازگی از دفتر تحکیم وحدت اعلام استقلال کرده است. ظاهراً توهماش ریخته است، دارد میفهمد که جمهوری اسلامی چیست اما بند ناآش را از این نکبت پاره نمیکند. تاریخ و جامعه را از همان دیدگاه و با همان سیستم تحویل میدهد. هنوز با زبان فلاحیان و حجاریان حرف میزند. یک قدم جلو میاید تا ده قدم عقب بپرد. هنوز اسلام و مبانی استدلالی حکومت اسلامی را پایه دادخواهی خود قرار میدهد. در بهترین حالت هنوز دنبال سراب "عدل علی" است و در بدترین حالت جمهوری اسلامی از در بیرون شده را از پنجره وارد میکند و در هر دو حالت پرچم حکومت و سیستم "اسلام رشوف" را بلند میکند و شما را بزیر این پرچم فرا میخواند. هنوز نفهمیده که مشکل همین حکومت اسلام است. هنوز متوجه نیست و یا نمیخواهد بفهمد که قرار دادن مذهب بعنوان مبنای هر اعتراضی نابرابر اعلام کردن انسانها بر اساس مذهب است. آزادیخواهی مذهبی یک تناقض در خود است. خود را نماینده مردم "کوچه و بازار" اعلام

از صفحه ۱

میل به مرکز و دوم خرداد

داشته باشند. حالا حتی رئیس قوه قضاییه هم نشان میدهد که انگار بویی از "اصلاحات" برده بود. کمیته مشترک قوه مقننه و قوه قضاییه تشکیل میشود، جلسات و "توافقاتی" در جریان است. گرچه شعار "اعتدال، اعتدال" از زبان خاتمی نمی افتد و حتی با معیار "اشک و گل یاس" هم دشوار بتوان دوم خرداد را حساب آورد، اما در عوض، خامنه‌ای با همان معیار "گل یاس" میتواند مدعی جدی "اصلاحات" باشد! این واقعیات را کاسه های داغ تر از آش اصلاح جمهوری اسلامی، کسانی که با آب و تاب از دوم خرداد بعنوان "گذر استبداد به دموکراسی"، "جنبش اصلاحات سیاسی و عبارات پر زرق و برق دیگری یاد کردند و میکنند، چگونه باید توضیح دهند؟ آیا خاتمی و دوم خرداد ته کشیده و به ولایت و جناح راست پیوسته، یا بر عکس، این جناح راست و ولی فقیه است که سرانجام "اصلاح طلب" شده اند؟ چه کسی دیگری را با خود برده است؟ این سوالات صرفاً از سر دست انداختن و طعنه زدن به حضراتی که توجیه تئوریک و مطلوبیت تاریخی (حال با هر توضیحی) برای جمهوری اسلامی و "جنبش اصلاحات" آن میترانند و می بافند، نیست. این سوالات برای این جماعت بسیار جدی و تعیین کننده است. مستقیماً به سرنوشت سیاسی خود این ها (که به خاتمی و "اصلاحات" گره خورده است) بر میگردد. اگر طنزی هست، ریشخند خود تاریخ است.

پاسخ سران و چهره های دوم خرداد به این سوالات طبعاً این است که این میل به مرکز در بالای جمهوری اسلامی را تداوم "اصلاحات"، "تن دادن به قواعد بازی از سوی جناح دیگر" و یا حتی "پیروزی" دوم خرداد قلمداد کنند. (برخی از خود بیخود شدگان اصلاح جمهوری اسلامی گویی به کشفیات جدیدی دست پیدا کرده اند مبنی بر اینکه: حتی "ولایت گران" دارند میفهمند که "جلب رضایت عامه شرط بقای حکومت است" و اینرا به "ملت ایران" تبریک هم گفته

پایان "دوره اتحاد علیه خشونت طلبی" و پایان "دوره شعارهای کلی و پوپولیستی"، در واقع بر همین جدایی حکایت دارد. بالای دوم خرداد، بخش در قدرت آن، اکنون خود را برای "فاز دوم" و دوره "گفت‌وگو دموکراسی" و "پذیرش قواعد بازی از سوی خشونت طلبان" آماده میکند؛ بدنه دوم خرداد بریده است و عمدتاً به نیروهای سرنگونی طلب روی می آورد؛ و آن خیل رنگارنگ "اصلاح طلبان" خارج از حکومتی چاره ای ندارند جز آنکه یا این حرکات بالای دوم خرداد را توجیه کنند، "تئوریهایی" خود را بسط دهند، ضد کمونیست تر بشوند، بکوشند بهر قیمت بر تردیدها و یاس صوف خود فائق بیایند، و یا دوباره به فکر "انتقاد از مواضع گذشته" خود بیفتند.

مسائل اساسی پیشاری جامعه ایران هیچ تغییری نکرده است. فقر و فلاکت بی سابقه، بیکاری، بی بهداشتی، بی مسکنی و غیره همچنان سر جای خودش است. استبداد، اختناق، اعدام، سنگسار، زندان، شکنجه، حجاب، حکومت اسلامی و فقدان کمترین آزادیهای سیاسی و فردی همچنان سر جای خودش است. هیچ کس، حتی سران هر دو جناح نیز ادعا نمی کند که ظرفیت جمهوری اسلامی برای پاسخگویی به مطالبات اقتصادی و سیاسی بخش های مختلف مردم افزایش یافته است. برعکس همه نگران اند و بهمیدگر هشدار میدهند. در آنسو، مردم، کارگران، جوانان و زنان همچنان به مقاومت و اعتراض و اعتصاب و تظاهرات ادامه میدهند. نه فقط نشانی از فروکش کردن این در صحنه بودن مردم مشاهده نمی شود، که حتی شواهد بعد از انتخابات نشان از اوجگیری آن دارد. آنچه که تغییر کرده است اینست که حکومت، همراه با هر دو جناح آن، بطور شفاف تر و بلاواسطه تری در معرض اعتراض مردم قرار گرفته است. آنچه که تغییر کرده است اینست که روضه اصلاحات اساساً به پایان رسیده و در عوض دامنه نفوذ برنامه و شعارهای نیرویی مانند حزب کمونیست کارگری بیش از پیش وسعت میگیرد. هر آن ممکن است توازن بین جنبش سرنگونی

←

گفته های هفته

علی جوادی

بحران آب، بحرانی حکومتی!



کمبود و بی آبی رنج ببرند، اعتراض کنند، تظاهرات کنند، ریشه بحران را نه در آسمان، بلکه در زمین، و در اولویتهای حکومت اسلامی، باید جستجو کرد. چرا که از یکطرف متوسط سرانه ریزش و سطح آبهای زیر زمینی در سطح کشور مشابه با کشورهای مانند ترکیه و برخی کشورهای اروپایی شرقی است. و از طرف دیگر تنزل سطح ریزش آب عمری چهار ساله دارد. در این مدت میشد هزاران طرح و برنامه را برای تامین منابع آبی مورد نیاز مردم در دستور قرار داد و پیاده کرد. کشورهای بسیاری حتی با متوسط سرانه آب بسیار کمتر از ایران از معضلی به نام بحران آب رنج نمی‌برند. مدت‌هاست که امکانات بشری پاسخ فنی و عملی این مسئله را یافته و این معضل را حل کرده است. اگر حتی در جمهوری اسلامی میتوان آب کرخه را با کانال کشی و لوله کشی زیر دریایی به کویت برد و آب را به منبع سود و تامین مخارج و نگهداری گله آخوندها و ارتش و سپاه و بسیج تبدیل کرد، اگر زلزله در هندوستان و ایران هزار برابر بیشتر از زلزله در سانفرانسیسکو و توکیو قربانی از مردم میگردد، تفاوت را فقط باید در میزان پاسخگویی دولت حاکم به نیازهای مردم دید. اما بحران آب و عدم پاسخگویی رژیم اسلامی به این نیاز اولیه و حیاتی مردم نشانگر آن است که حتی ایجاد کوچکترین بهبودی در زندگی مردم مستلزم سرنگونی رژیم اسلامی است.

معاون وزیر نیرو در امور آب اعلام کرد که: "در خصوص مسئله آب به مرز بحران کامل رسیده ایم." و اضافه کرد: "۱۷۰ شهر ایران با مشکل کم آبی روبروست." کیهان نوشت تهران و هفت استان دیگر، کرمان، سیستان و بلوچستان، بوشهر، اصفهان، فارس و خراسان در جدول جیره بندی آب قرار گرفته‌اند. در تهران قطع آب در مناطق مختلف، حتی تا ۱۲ ساعت در شبانه روز اقدامی روزمره است. بحران آب بنا به ادعای رژیم حداقل ۲۵ میلیون نفر را تحت تاثیر خود قرار داده است. پیش بینی میشود اگر وضعیت بهمین روال ادامه پیدا کند، فحطی و خشکسالی پایدار از نوع آنچه در آفریقا روی داد در ایران نیز تکرار خواهد شد. از طرف دیگر اخبار اعتراضات مردم بر علیه این وضعیت از کرج و چند شهر دیگر و همچنین اخباری مبتنی بر درگیری میان مردم، عملیات روستائینی که دارای منابع آبی مشترک هستند، در رسانه ها منعکس شده است. اعتراضات مردم در شاتره و آبادان در سال گذشته از اعتراضات عمده در سال گذشته بودند.

هرچند که کمبود آب در سالهای اخیر ناشی از تنزل ریزش باران در سطح کشور است، اما ریشه بحران آب را باید در مختصات حکومت اسلامی جستجو کرد. اگر حداقل ۲۵ میلیون باید در تابستان گرم از



سیاست دستگیری و اعزام اجباری مهاجرین افغانی را در هم بشکنید!

آسوشیتدپرس در ۱۹ ژوئن خبر از دستگیری بیش از ۱۰۰ مهاجر افغانی و ارسال آنها به کمپهای تبعیدیان داد. مهاجرین افغانی هر روزه در ایران دستگیر و به کمپهای تبعیدیان ارسال میشوند. بیش از یکسال است که این سیاست رسمی جمهوری اسلامی است. کاظم جلالی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس اسلامی جوهر سیاست دولت اسلامی در مورد مهاجرین افغانی را چنین اعلام کرد: "حضور ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار پناهنده افغانی در ایران از هر جهت با منافع ملی تضاد دارد. و اضافه کرد: "وجود افغانها در کشور از لحاظ امنیتی میتواند خطرات بسیاری را برای ما فراهم سازد."

این سیاست اعلام رسمی و همه جانبه یک جنگ ضد انسانی

بر علیه مهاجرین افغانی ساکن ایران است. در امتداد این سیاست است که دولت اسلامی شکار، دستگیری، و اعزام مهاجرین افغانی به کمپهای تبعیدی و بازگرداندن اجباری آنها به جهنم اسلامی دیگری، جهنم طالبان، را در دستور کار خود قرار داده است. این سیاست ضد انسانی مهر تائید کمیسیون پناهندگی سازمان ملل را نیز بر خود دارد. این سیاست پاکسازی قومی است. اعلام جنگی است بر علیه بخشی از جامعه! جنایت دیگری است بر علیه بشریت!

حزب کمونیست کارگری این سیاست ضد انسانی رژیم اسلامی را قویا محکوم میکند و مهاجرین افغانی را شهروندان متساوی الحقوق ایران بشمار می‌آورد که باید از تمامی حقوق شهروندی بطور کامل برخوردار شوند. این

رژیم اسلامی و نه مهاجرین افغانی است که وجودش با هر درجهای از امنیت، آسایش و رفاه مردم در تناقض آشکار قرار دارد. حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که خوشبختی و رفاه و سعادت مردم در گرو خلاصی کامل از شر رژیم اسلامی و برپایی یک جمهوری سوسیالیستی است.

مردم آزادیخواه:

به مقابله با این سیاست ضد انسانی جمهوری اسلامی برخیزید. نگذارید رژیم اسلامی شهروندان افغانی را دستگیر کند. نگذارید زندگی و سرنوشت این شهروندان قربانی سیاستهای وحشیانه رژیم اسلامی گردد. سیاست دستگیری و اعزام اجباری مهاجرین افغانی را در هم بشکنید!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ ژوئن ۲۰۰۱ - ۴ تیر ۱۳۸۰

از صفحه ۱ محاکمه میلسوویچ:

بیانگر نه عدالت خواهی و مجازات دیکتاتورها و جانیان جنگی، بلکه نشانگر عوامفریبی، ریاکاری و قدر قدرتی ناتو و به این اعتبار دولتهای بورژوازی مرتجع غرب است. دستگیری و تحویل میلسوویچ ربطی به عدالت خواهی جنایات و هزاران قربانی بالکان و پاکسازی قومی تراژیک در این منطقه ندارد.

به محاکمه کشاندن میلسوویچ از دید دستگیر کننده ها و محاکمه کنندگانش یک پیروزی دیگر جنگ سردی است. تسویه حساب با میلسوویچ صاف کردن خرده حسابهای باقیمانده از نزاع های جنگ سرد است. در این محاکمه میلسوویچ بخاطر نقش داشتن در یک جنایت عظیم قومی محاکمه نمیشود، بخاطر اینکه بازمانده تسلیم نشده شکست خوردگان جنگ سرد است به محاکمه کشیده میشود.

و بهمین سبب است که محاکمه میلسوویچ باروتی میشود برای تبلیغات ریاکارانه و عوامفریبانه دولتهای مرتجع غربی و ژورنالیست های کاسه لیس. از این محاکمه، از یکسو، برای تحکیم و تثبیت برتری اخلاقی نظام بورژوازی کاپیتالیستی غرب، و از سوی

دیگر، تقویت ناسیونالیسم صرب استفاده خواهد شد. اگر در یک دنیای عادلانه زندگی میکردیم، به همراه اسلوبودان دوست عزیز دولت آلمان، ریس جمهور سابق کرواسی که یکی از عناصر اصلی پاکسازی قومی در بوسنی بود، نیز پیش از مرگش بعنوان جنایتکار جنگی به محاکمه خوانده میشد. اگر عدالت حکمفرما بود به همراه میلسوویچ و یا حتی پیش از او رهبران ناتو برای جنایات عظیمی که در یوگسلاوی و کوسووا انجام دادند، و برای نقش مهم و تعیین کننده ای که در راه انداختن جنگ قومی در بالکان ایفاء کردند به محاکمه کشیده میشدند.

اگر در دنیا عدالت حکم میکرد، دولتهای غربی و در راس آن آمریکا و انگلستان برای جنایاتی که در حق مردم عراق انجام دادند، برای نقش داشتن در قتل هزاران کودکی که از گرسنگی و بی دارویی در عراق جان سپردند، محاکمه میشدند. اگر دنیا عادلانه بود به همراه میلسوویچ، بیل کلینتون، جرج بوش، هلموت کهل، مارگارت تاچر و تونی بلیر به جرم جنایتکار جنگی به محاکمه کشیده میشدند.

ولی در این دنیای ای که دروغ و ریا و سرکوب حکم میراند، محاکمه اسلوبودان میلسوویچ نه مایه خشنودی که یادآور تلخ حاکمیت تبعیض و نابرابری و یک مشمت جنایتکاری است که با زندگی مردم بازی میکنند.

انجمن مارکس لندن

ورود برای عموم آزاد است

شنبه ۲۱ ژوئیه - ۱۲ تا ۵ بعد از ظهر

انقلاب روسیه ۱۹۱۷-۱۹۲۷ بررسی تحلیلی
جلسه اول: زمینه های انقلاب، انقلاب فوریه و از فوریه تا اکتبر

کوروش مدرسی

آدرس: لندن - The York - 82 Islington High St.

Tel: 0771 461 1037 Fax: 0870 133 4206



دستمزد کارگران را چرا پرداخت نمیکنند؟

فاتح بهرامی

توافق خود رژیم باشند و امکان فکر کردن و پرداختن به مسائل دیگر را نداشته باشند. جمهوری اسلامی تلاش میکند که این دورنما، یعنی وضعیت کارگرانی که حقوقشان پرداخت نشده، بعنوان یک سرنوشت و یک الگو جلو آن بخش دیگر طبقه کارگر که امروز حقوقشان سر وقت پرداخت میشود بگیرد که هوس مبارزه برای مطالبات دیگری بسرشان نزند و "کلاشان را بگیرند که باد نبرد".

مسئله دستمزدهای معوقه مساله کل طبقه کارگر است. فقط مشکل آنهایی نیست که امروز دستمزدشان را نداده اند. اولاً منطقی بخش های جدیدی از طبقه در معرض این تعرض قرار میگیرند. ثانیاً علاوه بر فشارهای خردکننده اقتصادی بر خانواده های کارگری، رژیم از این حربه در کنار بیکارسازیها بعنوان وسیله ای علیه کل طبقه کارگر استفاده میکند. هم برای ایجاد تفرقه در میان کارگران و هم ایجاد مشغله مضاعف برای تامین معاش. کارگران را "به مرگ گرفته اند که به تب راضی باشند".

این تعرض جنایتکارانه جمهوری اسلامی را باید سد کرد و این امکانپذیر است. راه پایان دادن به این تعرض اساساً برپائی جنبش مجمع عمومی است. برپائی و گسترش جنبش مجمع عمومی آن مساله اساسی است که نه تنها به معضل دستمزدهای معوقه کارگران میتواند جواب دهد، بلکه به مسائل اساسی دیگر طبقه از جمله تشکل کارگری و راه دخالت سیاسی طبقه کارگر در جامعه را ممکن میکند.

در مبحث بعدی به جنبش مجمع عمومی و همچنین امکانات بالقوه ای که امروز طبقه کارگر ایران از آن برخوردار است، خواهم پرداخت.

ناتوانی اقتصادی رژیم نیست. دلیل اینست که طبقه کارگر ایران قدرتش را در مقابل این رژیم و بورژواهای بی فرهنگش بنمایش نگذاشته و از آن استفاده نکرده است. علیرغم مبارزات هر روزه برای گرفتن دستمزدهای معوقه، کارگران ایران متحدانه و در سطح سراسری هنوز گوش این رژیم را نکشیده اند و بخاطر این کارنامه کثیف ضد کارگری گوشمالی اش نداده اند. مادام که این رژیم با عکس العمل جدی کارگران و نمایش قدرت طبقاتی آنان مواجه نشود، به تعویق انداختن دستمزد کارگران را ادامه خواهد داد. این رژیم

و بورژواهای حریص و بی فرهنگ آن از بی پرنسیپی و سودجویی و زیرپا نهادن ابتدائی ترین حقوق مردم چیزی کم ندارند و اگر بتوانند در این راه هیچ تردیدی بخود راه نمیدهند، اینرا هر روز در برخورد به حقوق کارگران دارند نشان میدهند. اینها در ورای نپرداختن دستمزدها مسائل دیگری را درباره جنبش کارگری و تاثیرات این ماجرا بر روی کارگران و جنبش آنان فهمیده اند. مساله بسادگی اینست که جمهوری اسلامی با نپرداختن حقوق کارگران آنها را در یک موقعیت تدافعی و چند گام دورتر از خواسته های فوری و اساسی قرار داده است. کارگران بدلیل عدم دریافت دستمزدهایشان در تنگنای شدید اقتصادی قرار گرفته اند. گرفتن این دستمزدها و تامین معاش خانواده به مشغله شب و روز آنان بدل میشود. با هر وعده ای مجبور میشوند برای قرض گرفتن و یا پیدا کردن کار موقت دیگری بقیه وقت آزاد خود را صرف کنند. معمولاً در هر جنبش کارگری، کارگران برای مطالباتی از قبیل افزایش دستمزد، بیمه بیکاری، و مطالبات دیگری مانند اینها که درجه ای به پیشرفت رفاه آنان کمک کند، مبارزه میکنند جمهوری اسلامی کاری کرده است که بخشی از کارگران فعلاً سرگرم گرفتن حقوق مورد

پرداخت دستمزد کارگر در جمهوری اسلامی به مساله عجیبی بدل شده است. از کارگر کار میکشند، تولید انجام میشود، همه سودشان را به جیب میزنند ولی دستمزد کارگر را نمیدهند! طبق توافق بین کارگر و سرمایه دار قرار است در مقابل نیروی کاری که از کارگر خریده اند بوی دستمزد بدهند، اما در جمهوری اسلامی کارگر برای گرفتن این دستمزد باید اعتصاب کند، تجمع و راهپیمائی کند، جاده بندد و زندانی شود! نزدیک به چهار سال است که این ماجرا تکرار میشود و دارد کم کم به موضوعی عادی تبدیل میشود. چرا حکومت اسلامی میتواند با کارگران اینچنین رفتار کند؟

زیر ظرفیت کار کردن بعضی از واحدهای تولیدی، کم سودآور بودن آنها، کمبود نقدینگی و امثال اینها بهانه هائی است که در مقابل اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها بطرف کارگران پرتاب میشود. اما هیچکدام از اینها دلیل نپرداختن حقوق کارگران نیست. در مدت چهار سالی که هر روز دستمزد بخشی از کارگران را گرو گرفته اند، همه حقوقشان را گرفته اند. از آیت الله و نماینده مجلس و وزیر و رئیس گرفته تا زندانبان و پیش نماز و روضه خوان و پاسدار و نیروی انتظامی نه تنها حقوقشان بتعویق نیافته بلکه منطقی اضافه حقوق و مزایا هم گرفته اند.

بنابراین دلیل اساسی عدم پرداخت حقوق کارگران از جنبه

فورا و بدون معطلی باید پرداخت گردد.

حقوقهای معوقه کارگران باید فوراً و بدون هیچ بهانه ای پرداخت شود. بیمه بیکاری مکفی حق همه افراد بیکار است.

مبارزات کارگری برای پرداخت دستمزدهای معوقه همچنان ادامه دارد

قرمزی، رئیس سازمان صنایع و معاون بنیاد، تن به پرداخت فوری حقوق معوقه کارگران این کارخانه داد. طبق این قرار میبایست تا پایان روز سه شنبه ۲۹ خرداد دستمزدهای معوقه کارگران چیت ری پرداخت شود. چیت ری با گذشت چند روز و جواب نگرفتن مجدداً در محل بنیاد مستضعفان دست به تحصن زدند. کارگران ساختمان بنیاد مستضعفان را تحت محاصره خود گرفته و مانع رفت و آمد کارمندان و روسای بنیاد به داخل ساختمان میشوند. کارگران اعلام کرده اند تا زمانی که به خواستهای آنها پاسخی داده نشود به تحصن خود ادامه خواهند داد. به محض حضور کارگران نیروهای نظامی رژیم نیز در منطقه مستقر شدند. چند نفر از نمایندگان مجلس به جمع کارگران رفته و با دادن وعده هایی خواهان پایان این تحصن شده اند که با مخالفت کارگران روبرو شده اند. کارگران کارخانه "کوه فرد" اصفهان (کارخانه ناسیونال) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های معوقه خود دست به تجمعی اعتراض زدند و خواستار رسیدگی فوری به مطالبات خود شدند.

روز سه شنبه ۵ تیر صدها نفر از کارگران کارخانه پوشاک جامکو در تهران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست به تظاهرات زده و جلو در مجلس اسلامی تجمع کردند. کارگران معترض خواهان پرداخت فوری دستمزدهایشان شدند.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران را به اعتراضی متحد و یکپارچه در مقابل مراکز دولتی دعوت کرده و کارگران مراکز صنعتی و همه مردم آزادیخواه را به حمایت فعال و شرکت در تجمعات آنها فرا میخواند. حقوق های معوقه صدها هزار کارگر و بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار

خواست پرداخت دستمزدهای معوقه به یکی از خواستهای مهم و اصلی بخش عظیمی از کارگران در ایران تبدیل شده است. هزاران خانواده کارگری در اثر عدم پرداخت دستمزد در فقر مطلق به سر میبرند. آمار بیکاری همچنان رو به افزایش است و هزاران کارگر نیز در مراکز مختلف با عدم تامین شغلی روبرو هستند. مبارزات کارگران بخشهای مختلف تولیدی برای پرداخت دستمزدهای معوقه و تامین شغلی ادامه دارد. به گوشه هائی از این مبارزات نگاهی بیندازیم.

کارگران کارخانه بریجستون که بیش از یک هفته بود در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه خود و سایر مطالبات خود در تحصن بودند، با قول و قرار یی یکی از مسئولین در جمع کارگران، موقتاً به تحصن خود پایان دادند.

کارگران کارخانه فارس کمپرسور نیز بیش از یک هفته است در تحصن هستند. تعداد زیادی از کارگران این کارخانه در حالت بلاتکلیفی و از دست دادن شغل بسر میبرند. کارگران خواهان پرداخت دستمزدها و حقوق معوقه خود و بازگشت کارگران بیکار به کار و تامین امنیت شغلی خود هستند.

پنج شنبه ۳۰ خرداد کارگران تخته سه لای ساری در مقابل استانداری مجدداً تجمع کرده و خواستار پرداخت دستمزدهای خود و اجرای وعده های داده شده از جانب دولت و کارفرما گردیدند. کارگران تخته سه لای ساری روز سه شنبه ۲۹ خرداد نیز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود در مقابل استانداری مازندران دست به تجمع اعتراضی زده و خواهان پرداخت فوری دستمزدهای خود شده بودند.

پس از اعتراضات وسیع کارگران چیت ری در مقابل مجلس و عقب نشینی دولت و بنیاد مستضعفان مهندس

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org

www.wpibriefing.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.childrenfirstinternational.org

www.jawanan.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England